

تحقق مدیریت مشترک منابع آب در آسیای مرکزی^۱

این کتاب حاصل کارگاهی آموزشی تحت عنوان «مدیریت مشترک منابع آب در آسیای مرکزی» است که در بیشکک پایتخت قرقیزستان برگزار شد. مقالات ارائه شده در این کتاب شرح جامعی می‌باشد از دستاوردهای پژوهشگران حوزه آب و مطالعات آسیای مرکزی که مقدمه‌ای بر مدیریت مشترک منابع آب در آسیای مرکزی نیز در آن گنجانده شده است.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، روش‌های پیشین کنترل منابع آب در آسیای مرکزی بایستی با موقعیت فرامرزی جدید منطبق می‌گردید. طی یک دهه گذشته با کوشش‌های جمعی کشورهای تازه استقلال یافته منطقه (قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان)، موفقیت‌های بسیاری در این زمینه حاصل شده است. به طور کلی، همکاری فرامرزی این کشورها در خصوص مدیریت منابع آب به نسبت دیگر حوضه‌های فرامرزی و مشترک، تجربه واحدی را عرضه داشته است. این کتاب با هدف پی بردن به نقاط قوت و ضعف مدیریت یکپارچه منابع آب در آسیای مرکزی به رشته تحریر درآمده است.

ساختار این اثر به شکلی است که کتاب را به چهار فصل تقسیم می‌کند. فصل اول بر مدیریت یکپارچه منابع آب از دیدگاه بین‌المللی تأکید دارد. مقاله‌ای که پس از برگزاری

¹ . Implementing Integrated Water Resources Management in Central Asia, Edited by Patricia Wouters, Victor Dukhovny and Andrew Allan. Springer, 2008, 177 pp.

کارگاه آموزشی بیشکک به این فصل از کتاب اضافه شده است، نظریه عمومی و عملکرد مدیریت هماهنگ منابع آب را معرفی می‌کند. در این مقاله، دان تارلوک^۱ نخست، نیاز به تغییر الگوی برنامه‌ریزی و مدیریت منابع آب (از اکوسیستم رو به زوال به اکوسیستمی پویا) و سه عامل مؤثر در این راستا اشاره می‌کند، سپس وی چهار نمونه عملی در خصوص مدیریت مشترک منابع آبی (آفریقای جنوبی، حوضه موری- دارلینگ^۲ در استرالیا، دریاچه‌های بزرگ و زمین‌های باتلاقی در فلوریدای آمریکا) را عنوان می‌نماید و به این استدلال می‌رسد که بهترین پشتوانه در خصوص تحقق مدیریت یکپارچه منابع آب، حکومت‌هایی هستند که قوانین بین‌المللی آب را اعمال می‌کنند. همچنین به عقیده وی، مدیریت یکپارچه منابع آب فرآیندی است برای اتخاذ تصمیماتی بهتر در زمینه تخصیص آب (که به لحاظ زیست محیطی پذیرفته شده و از نظر اجتماعی منصفانه باشد) و تعیین استانداردهایی که تصمیمات دولت‌ها را مورد ارزش‌یابی قرار دهد، نه اینکه صرفاً تعهد به قوانین بین‌المللی و محیط زیست را گوشزد نماید.

فصل دوم کتاب با پنج مقاله، سوابق مدیریت حوضه دریاچه آرال^۳ را به بحث می‌گذارد و از تحقق مدیریت مشترک منابع آب در حوزه آسیای مرکزی سخن می‌گوید. خمیدف^۴ با تجربه کاری در سمت مدیریت مرکز سازماندهی حوضه آبگیر^۵ سیردریا، بیش از چهار نویسنده دیگر کتاب در بررسی ویژگی‌های اصلی مدیریت مشترک منابع آب در حوضه رودخانه سیردریا، توانا است. وی در مقاله خود خاطر نشان می‌سازد که مؤثرترین راه در راستای بهبود سیستم مدیریت آب در سیردریا، گذار به مدیریت مشترک است؛ هرچند که کاری پیچیده، دشوار و طولانی‌مدت بوده و بازسازی همه‌جانبه ساختارهای سلسله مراتبی ساماندهی آب (که در حال حاضر از سوی هر کشور به طور جداگانه اعمال می‌شود) را طلب می‌کند. با این وجود، ایجاد و گسترش فن‌آوری‌های پیشرفته، کارآمدی مدیریت منابع آب را ارتقاء بخشیده است. به عقیده خمیدف، مشارکت کامل تمامی بخش‌های مرتبط در مدیریت مصرف آب، شرط اصلی تحقق موفقیت‌آمیز بودن طرح مدیریت یکپارچه منابع آب است.

^۱ . Dan Tarlock

^۲ . Murray-Darling

^۳ . Aral Sea

^۴ . Khamidov

^۵ . Basin Valley Organisation (BVO)

^۶ . Syrdarya

قودایبرگانف^۱ سرپرست مرکز ساماندهی حوضه آبی^۲ آمودریا^۳ نیز به ویژگی‌های خاص مدیریت مشترک منابع آب در حوضه رودخانه آمودریا اشاره کرده است. از نقطه نظر وی، آب اصلی‌ترین عامل رفاه اجتماعی و سلامت اقتصادی در آسیای مرکزی است و تحقق بخشیدن به امر مدیریت مشترک منابع آب، یکی از منطقی‌ترین راه‌های دستیابی به رفاه در کشورهای این منطقه است.

جالوبایف^۴ تحقق مدیریت مشترک منابع آب در آسیای مرکزی را از جنبه‌های مالی، اقتصادی و قانونی مطرح می‌کند و برای شفاف‌سازی این موضوع، پروژه مدیریت مشترک آب در دره فرغانه را مثال می‌زند. وی نقایص سیستم کنونی مدیریت منابع آب در دره فرغانه را با نتایج احتمالی حاصل از مدیریت مشترک منابع آب مقایسه می‌کند و به چکیده‌ای از مدیریت به هم پیوسته آب در این دره که در حوضه سیردریا واقع است، می‌پردازد. جالوبایف متذکر می‌شود که عملی شدن پروژه مدیریت آب در دره فرغانه، مستلزم اجرای قوانین گسترده‌تر بین‌المللی خواهد بود.

در بخش چهارم از این فصل، توخین^۵ مراحل اصلی کنترل توزیع آب و ویژگی‌های کنترل توزیع آب را مورد بررسی قرار داده و به موضوع به کارگیری سیستم‌های جدید آبیاری و حتی توزیع آب در سطوح محلی و بین‌المللی می‌پردازد. کمالف^۶ در آخرین مقاله فصل دوم، مسایلی از قبیل نیروی کار و امکانات مالی، فن‌آوری و مهارت‌های کافی در خصوص مصرف بهینه آب تحت شرایط اقتصادی کنونی را مطرح کرده و بازگرداندن دریاچه آرال به موقعیت پیشین را امری دشوار می‌داند. با این وجود، وی بر این باور است که می‌توان ناحیه پری‌آرالی^۷ واقع در قزاقستان (شمال دریاچه آرال) را به وضعیت اولش بازگرداند و با تلاش‌های کشورهای آسیای مرکزی و حمایت جامعه جهانی، ثبات این منطقه ساحلی را تضمین کرد.

فصل سوم کتاب بر جنبه‌های اجتماعی-اقتصادی مدیریت نظام یافته منابع آب در آسیای مرکزی متمرکز بوده و سه مقاله در خصوص مشارکت عمومی، بهره‌وری آب و تحقق

1. Khudaiberganov

2. Basin Water Organisation (BWO)

3. Amudarya

4. Jaloobayev

5. Tukhin

6. Kamalov

7. Priaralie

الگوی اجتماعی - اقتصادی حوضه دریاچه آرال، مباحث این فصل را پوشش می‌دهند. ریابتسف^۱ در مرحله نخست به مسایل دریاچه آرال و به نقش کم‌رنگ عموم مردم می‌پردازد و مشارکت فعال سازمان‌های غیر دولتی را در سال‌های اخیر یادآوری می‌کند. از دید وی، چارچوب منطقی پیشرفت و همچنین بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در قزاقستان تا اندازه‌ای قوانین مربوط به مشارکت همگانی در حفاظت از دریاچه آرال را تسهیل نموده است.

در بخش دوم از این فصل، محمدژانف^۲ شاخص‌های اقتصادی بهره‌وری از آب در جهت مصرف کشاورزی را تحلیل می‌کند با این هدف که ثابت کند بهره‌وری فزاینده، نتیجه تحقق مدیریت مشترک منابع آب است. در مقاله آخر از فصل سوم نیز روزیف^۳ و پریخودکو^۴ مفهوم «الگوی اجتماعی - اقتصادی» را شرح می‌دهند و نتایج تحقیق خود را بر حسب پیش‌بینی سناریوهای مختلف توسعه، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. آنها در نهایت ابراز می‌دارند که توسعه اجتماعی - اقتصادی منطقه آسیای مرکزی در آینده بایستی بر پایه همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای استوار باشد.

فصل چهارم شامل پنج مقاله در خصوص مسایل آبی پنج کشور آسیای مرکزی است و به ضرورت مدیریت هماهنگ منابع آب در سطح منطقه‌ای می‌پردازد. در بخش اول دوخوفنی^۵ با تأکید بر اهمیت منابع آب، از حرکت مردم به سمت تجارت و بحران قریب‌الوقوع کمبود نیروی انسانی در بخش کشاورزی سخن می‌گوید. به عقیده وی، تنها عاملی که می‌تواند مساله پیچیده مدیریت و محافظت منابع آب را حل کند، ایجاد و حفظ یکپارچگی و اتحاد بوده و این اتحاد حاصل نمی‌شود، مگر اینکه یک سطح در رأس همه سطوح سلسله مراتبی قرار گیرد تا میان آنها هماهنگی ایجاد کند. طبق گفته دوخوفنی، روابط میان حکومت، جامعه و مدیریت، مسایل عمده‌ای هستند که باید مورد توجه جدی قرار بگیرند. نظیرف^۶ طی مقاله دوم، تجربه پیشین مصرف آب در آسیای مرکزی را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر این موضوع تأکید دارد، هنگامی که بحث مدیریت آب فرا می‌رسد،

1. Ryabtsev

2. Muhamedzhanov

3. Ruziev

4. Prikhodko

5. Dukhovny

6. Nazirov

تنها شاخص‌های کوتاه مدت و میان مدتی همچون سهمیه‌بندی، پاسخگو نیستند؛ بلکه تدابیر طولانی مدتی از قبیل هماهنگی، همکاری و مدیریت تخصصی آب را نیز باید در نظر گرفت. به نظر وی، اکنون زمان گذار از توافقات دو جانبه سالانه به پیمان‌های چند جانبه طولانی مدت، فرا رسیده است. به گفته نویسنده مقاله، هماهنگی عملی و علمی میان منطقه‌ای، مفهومی همه جانبه و همه شمول است. همچنین برای دستیابی به مدیریت مشترک مستمر و امنیت در جامعه، همسازی روابط رو به رشد در سطوح مدیریت سلسله مراتبی منابع طبیعی (و به ویژه آب) ضرورت دارد.

آلتیف^۱ در مقام معاون وزیر آب ترکمنستان، در مقاله سوم، نقش برنامه‌ریزی استراتژیک و بین‌المللی در توسعه مدیریت آب از چشم‌انداز این کشور را مطرح می‌کند. وی می‌گوید که طی چند دهه گذشته، سیستم مدیریت آب در منطقه آسیای مرکزی با قابلیت بسیار بالا، توسعه یافته که این امر دسترسی تمام بخش‌های اقتصادی را به منابع آب تضمین می‌کند. آلتیف، ویژگی‌های تاکتیکی این امکانات را در بخش آبی شرح می‌دهد و مدیریت آب را به سه بخش جداگانه تقسیم می‌کند: منطقه پایین دست آمودریا، منطقه کالکتور^۲ و منطقه مدیریت آب کاراکوم^۳. وی همچنین از یک سیستم سلسله‌مراتبی سه سطحی به عنوان شالوده مدیریت منابع آبی در ترکمنستان نام برده است: وزارت آب، سازمان‌های ایالتی مدیریت آب و دیارتمان‌های مدیریت آب اتراپ^۴ (منطقه‌ای اداری در ترکمنستان). وی تأکید دارد، مدیریت آب باید بر پایه خطوط بین منطقه‌ای باشد و در عرصه توسعه اقتصادی گام بردارد.

خواست دیالالوف^۵، در بخش چهارم از فصل چهارم، پیش‌برد مدیریت مشترک منابع آب در راستای قوانین مدیریت حوضه‌های آبی است. وی دستاوردهای مدیریت یکپارچه در ازبکستان را فقط و فقط نتیجه اتخاذ تصمیمات هماهنگ در جهت قوانین اجرایی محلی می‌داند. او همچنین مشکلات اجتماعی که احياناً بر سر راه برنامه‌های آبی مدیریت منابع آب منطقه آسیای مرکزی قرار خواهد گرفت را مورد بررسی قرار داده است. به عنوان مثال،

1. Altyev
2. Collector
3. Karakum
4. Etrap
5. Djalalov

هدایت آب‌های سطحی، زیر زمینی و زهکشی به‌سوی منابع آبی بین‌المللی و فرامرزی. بکبوتوف^۱ و جالوبایف در آخرین مقاله این فصل و کتاب، بر این عقیده هستند که تنها راه ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای آب، مدیریت تقاضا از راه حفاظت از آب است. این دو بر این باور هستند که شرط اصلی حفاظت از آب، وضع قوانین مناسب و قابل تغییر است؛ چراکه در حال حاضر، محدودیت‌هایی دست و پا گیر در سیستم قانون‌گذاری کشورهای آسیای مرکزی به چشم می‌خورد. از این رو، نویسندگان این بخش برای همه کشورهای منطقه یک بسته قوانین را به عنوان مدل در خصوص حفاظت از آب مطرح کرده‌اند. دیگر عوامل تأثیرگذار بر حفاظت آب را باید در چارچوب راهبرد سیاست حفاظت از آب به صورت همگانی و با همکاری کشورهای دخیل، مورد بررسی قرار داد.

ارزشمندی کتاب در مقالات بسیاری است که مسأله مدیریت آب در آسیای مرکزی را پوشش می‌دهد. در نهایت، این مجموعه در کنار مزایا و معایبی که دارد در بررسی وضع موجود مدیریت آب در حوزه آسیای مرکزی موفق بوده و راه‌کارهای بالقوه‌ای برای مدیریت بهینه در آینده ارائه کرده است. از این رو، کتاب حاضر برای دانشگاهیان رشته علوم سیاسی، مطالعات آسیای مرکزی، روابط بین‌الملل، حقوق دانان، سیاست‌گذاران و نظریه‌پردازان که به دنبال شناخت عمیق‌تری از تحقق مدیریت مشترک منابع آب هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مجتبی تویسرکانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱. Bekbolotov